

روش‌های توانمندسازی اخلاقی روانشناختی از منظر روانشناسی جامعه‌نگر و قرآن

مسعود آذربایجانی*

چکیده

روانشناسی جامعه‌نگر به روابط افراد با اجتماعات مربوط می‌شود، این رشته با ادغام پژوهش و عمل، به دنبال درک و ارتقای کیفیت زندگی افراد، اجتماعات و جوامع است. این جستار موضوع روش‌های توانمندسازی اخلاقی روانشناختی را از منظر روانشناسی جامعه‌نگر و قرآن پی می‌گیرد. روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی در قلمرو آیات قرآن است و از پیشینه روانشناسی جامعه‌نگر برای ادبیات علمی بحث و قالب‌های جستجو استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش در چهار محور عبارتند از: ۱. روش‌های معنوی: ایمان، اخلاص، توکل، رضایت باطنی، دعا، نماز، ولایت و تقوی؛ ۲. روش‌های آگاهی بخشی و معرفت بخش: علم، معرفت، یقین، تفکر، بصیرت؛ ۳. روش‌های اخلاقی: تزکیه، فضیلت، برّ، عزم، همت، استقامت و عمل به طور کلی و حرّیت، عزت، شرف، شجاعت، صبر، حلم، صدق و فتوّت به طور خاص؛ ۴. روش‌ها و راهکارهای اجتماعی: اخوت، الفت، خدمت، احسان، معاشرت، مواسات، مسئولیت، دوستی و رفاقت. هدف اصلی این جستار استفاده از ادبیات علمی روانشناسی جامعه‌نگر برای توانمندسازی با توجه به رویکرد بومی و اسلامی است.

کلیدواژه‌ها

روانشناسی جامعه‌نگر، توانمندسازی، اخلاق، روانشناسی اسلامی.

۱. محوریت مباحث در قلمرو قرآن است، اما بعضاً از روایات نیز شاهد آورده‌ایم.

* استاد گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. (mazarbayejani110@yahoo.com)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷)

مقدمه

در روانشناسی جامعه نگر^۱، توانمندسازی^۲ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بسیاری آن را مفهوم اصلی در روانشناسی جامعه نگر میدانند. روانشناسی جامعه نگر به روابط افراد با اجتماعات مربوط می‌شود. این رشته با ادغام پژوهش و عمل، به دنبال درک و ارتقای کیفیت زندگی افراد، اجتماعات و جوامع است. روانشناسی جامعه نگر با ارزش‌های اصلی خود، یعنی سلامت فردی و خانوادگی، احساس همدلی، احترام به تنوع انسانی، عدالت اجتماعی، توانمندسازی و مشارکت شهروندان، همکاری و توجه به نقاط قوت جامعه، و مبنای تجربی شناخته می‌شود. روانشناسی جامعه نگر موضعی انتقادی نسبت به قدرت، طبقات و نابرابری دارد. این نوع روانشناسی به این موضوع علاقه مند است که قدرت کجاست، چه شکلی به خود می‌گیرد، و چگونه به گونه‌ای اعمال می‌شود که به حفظ سلطه، امتیاز و تبعیض کمک می‌کند و به گروه‌های ناتوان و سرکوب شده ضرر می‌زند. روان‌شناسی جامعه نگر در واقع نهضتی علمی در روان‌شناسی است که برای پاسداشت عدالت اجتماعی، مقابله با فقر و نابرابری و توانمندسازی اجتماعی افراد آسیب پذیر در جوامع مختلف به وجود آمده است. مهم ترین موضوع در تعریف این نوع روان‌شناسی آن است که احساسات، افکار و اقدامات انسانها را در یک زمینه و بافت اجتماعی ملاحظه کنیم. سه مفهوم کلیدی در روان‌شناسی جامعه نگر؛ توانمندسازی، عدالت اجتماعی و آزادی است (اُرفورد^۳، ۲۰۰۷). در این جستار صرفاً مفهوم توانمندسازی را از منظر روانشناسی جامعه نگر و قرآن دنبال می‌کنیم.

چیستی توانمندسازی در روانشناسی جامعه نگر

برخی از تعاریف مفهوم توانمندسازی در جدول زیر آمده است. باید توجه داشت که این تعاریفها اگر چه بر به دست آوردن نفوذ، کنترل، تسلط و قدرت تاکید دارد؛ تفاوت‌های ظریفی با هم دارند ولی همه راهها مهم هستند. گاهی اوقات مردم توانمند میشوند اما گاهی اوقات گروهها، سازمانها و اجتماعات توانمند میشوند. گاهی اوقات توانمندی به عنوان یک حالت تصور میشود و در بقیه موارد

-
1. Community Psychology
 2. Empowerment
 3. Orford, J.

به عنوان یک فرایند دیده میشود. گاهی اوقات بر ویژگی‌های اضافی تاکید میشود مثل آگاهی انتقادی از محیط زیست و مشارکت دموکراتیک. توانمندسازی ممکن است مهم باشد اما تعریف ساده و سراسری ندارد و مستقیماً ما را به یک دریای عمیق میبرد.

جدول (۱) تعریف‌های توانمندسازی

شماره	تعریف
۱	توانمندسازی فرایندی است که توسط آن، افراد، سازمانها و جوامع به دنبال تسلط بر موضوعات مورد توجهشان هستند (راپاپورت، ۱۹۸۷). ^۱
۲	توانمندی هدفی است که انسان برای رسیدن به آن تلاش میکند؛ حالتی که انسانها قدرت کافی برای تأمین نیازهایشان پیدا میکنند و همکاری کردن با دیگران برای گسترش اهداف جمعی است (پرلیتسکی و همکاران، ۲۰۰۱). ^۲
۳	سازوکاری که مردم به وسیله آن، کنترل بیشتری بر زندگیشان، آگاهی‌های انتقادی نسبت به محیط‌های سیاسی و اجتماعی و مشارکت دموکراتیک بیشتر در جامعه به دست می‌آورند (پرکینز و زیمرمن، ۱۹۹۵). ^۳

توانمندسازی: ذهنی یا عینی؟ یکی از پرسش‌های جدی در توانمندسازی، این است که توانمندسازی درون‌شخصی و ذهنی است یا مادی و عینی؟ زیمرمن خط فکری اول (درون شخصی) را به خوبی نشان داد. او کسی است که مفهوم توانمندسازی روانشناختی را بحث کرده است. اگرچه او تأکید کرد که توانمندسازی روانشناختی یک مفهومی نیست که به سادگی بتوان آن را مساوی با ویژگی‌های شخصیت مثل عزت نفس یا شایستگی دانست و یا اینکه نمی‌توان آن را جدا شده از پس زمینه‌های شخص توانمند شده دانست؛ اما زیمرمن عمدتاً بر ساخت درون شخصی در رابطه با توانمندسازی روانشناختی تأکید دارد. این مسئله با باورهای مردم درباره قابلیتشان برای زمینه نفوذ، درک کردن اینکه افکار چطور در زمینه‌ها عمل میکنند و اقدام کردن در مورد نفوذ در زمینه‌ها رابطه دارد. پس

-
1. Rappaport, J.
 2. Prilleltensky, I. & et al.
 3. Perkins, D.D. & Zimmerman, M.A.

این مسئله، در مورد اعتقادات شخصی، درک و رفتار است. زیمرمن سعی کرد به صورت خیلی واضح، فرق بگذارند بین توانمندسازی و قدرت مادی؛ آن جایی که گفت: "می توان از نظر روانشناختی بدون داشتن اقتدار یا قدرت کافی مادی برای تحقق اهداف خود، توانمند شد". او مثالی زد اما با این مثال آب را گل آلود می کند. دانش آموزان و والدین ممکن است از نحوه کار یک مدرسه بهتر مطلع شوند و بیشتر در تصمیم گیری ها درگیر شوند اما آنها ممکن است به دنبال تغییر درک مقامات مدرسه از قدرت نهایی برای تعیین خط مشی مدرسه نباشند (یعنی باز هم تا مقامات مدرسه درک درست تری از تعیین خط مشی مدرسه نداشته باشند، هدف والدین و دانش آموزان تأمین نمی شود).

ریگر^۱ (۱۹۹۳) از شیوه استفاده از مفهوم توانمندسازی در روانشناسی جامعه نگر، انتقاد کرد. او از چند جهت انتقاد کرد؛ او معتقد بود ترجیح روانشناسان بیشتر مباحث فردگرایانه است. او مانند دیگران از گرایش به تلفیق قدرت واقعی با احساس توانمندی انتقاد کرد. از آنجایی که مورد دوم لزوماً نتیجه ای در نفوذ و کنترل واقعی ندارد بنابراین خطر شخصی سازی سیاسی وجود دارد و اینکه به جای اینکه وضعیت موجود، به چالش کشیده شود حمایت هم می شود. این همان انتقاد است که شیوه های استفاده از توانمندسازی، گویا بیش از حد تحت تاثیر ارزش های فردگرایانه در حوزه ماموریت، تسلط، کنترل و موقعیت است و این مسئله در جامعه آمریکا به نسبت دیگر جوامع، اهمیت بیشتری دارد.

یکی از قوی ترین چالش هایی که در مورد چشم انداز درون فردی در مورد توانمندسازی، بوجود آمده است از اشمایل^۲ یک روانشناس بالینی جامعه نگر انگلیسی است. وی کسی است که مرتباً در مورد مخاطرات روانشناسی از تأثیر پذیری روابط ساختار قدرت موضع گیری جدی میکند. او اشاره کرد به اینکه آنچه که او می بیند به طور قابل توجهی، یک آشفتگی مفهومی در واژه توانمندسازی در جامعه آمریکا است. خطری که او مشاهده کرد این بود که به جای رشد دادن یک نظریه جامع از طریق تاثیرات قدرتمند شکل گرفته از تجربه اشخاص حقیقی و علت ناراحتی شان، که بایکدیگر و با یک مطالعه تجربی از چگونگی ایجاد اتفاق شکل گرفته؛ ما در عوض، باید به سمت تحلیل

1. Riger, S.

2. Smail, D.

روانشناختی قدرت به عنوان یک ویژگی درونی و شخصی حرکت کنیم (اشمایل، ۱۹۹۵، ص. ۳۵۱). وی معتقد بود که آمادگی روانشناسی جامعه‌نگر برای مقابله با مؤلفه‌های مادی قدرت اجتماعی واقعا بیشتر است - به عنوان انعکاس بالاجبار عوامل زیانبار اقتصادی و محیطی در دنیای واقعی - که نوید این رشته در پیشبرد فهم چگونگی گسترش پریشانی عاطفی است. او قدرت را اینگونه تعریف کرد: "ابزار به دست آوردن امنیت و امتیاز".

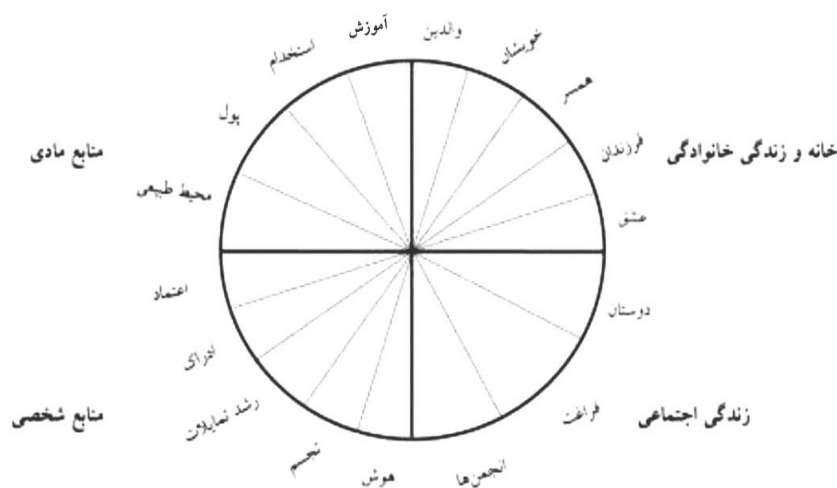
به جز تعداد کمی از روانشناسان روان تحلیل‌گر که از دیدگاه متعارف فروید خارج شدند (اشاره به آدلر، فروم، هورنای و سالیوان) و همچنین نظریه پردازان اجتماعی بیرون از رشته روانشناسی (مثل فوکو)؛ قدرت عملا در روانشناسی و روان درمانگری نادیده گرفته می‌شد (اشمایل، ۱۹۹۵). بعضی از اشکال روانشناسی، در اواخر قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یک، به سمت بخشی از درک مادی گرایانه اجتماعی رفته بود اما با این حساب شکست خورد. از اینرو، روانشناسی رفتاری مدتهاست که بر روانشناسی مدرن غالب است. اهمیت اساسی محیط مادی را تشخیص داده بود اما تا حد زیادی بر تمرکز بر فرد، باقی مانده بود. بیشتر روانشناسی‌های ساخت‌گرا همچون رویکردهای گفتمان و روایت، از لحاظ اجتماعی برجسته شده است اما باز هم بر اهمیت زبان و ایده‌ها متمرکز شده و بنابراین ممکن است به طور عمده درونی تصور شود تا مادی (اشمایل، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۳). البته کاملا امکان دارد که در نظریه روانشناختی؛ مفاهیم اساسی مادی، اجتماعی و محیطی را به جای مسائل اخلاقی، فردی و درونی به اشتراک گذاشت (اشمایل ۲۰۰۱، ص. ۱۶۴).

از آن جایی که پریشانی روانشناختی فردی با فقر، محرومیت و وضعیت اقتصادی - اجتماعی پایین تر، در ارتباط است، ناتوانی علم روانشناسی برای تشخیص اهمیت قدرت مادی (محیطی) و اتخاذ تبیین‌های درون فردی به عنوان یک موقعیت پیش فرض، منجر به نوعی درونی سازی فقر و محرومیت میشود یا همان چیزی که هاگان و اشمایل (۱۹۹۷)، «اخلاقی کردن قدرت و ناتوانی» نامیدند. خطر این است که مردم به داشتن یک احساس مسئولیت شخصی برای موقعیت‌های اجتماعی شان و یک احساس شرم در مقابل شکست‌هایشان تشویق می‌شوند. از نظر آنان وظیفه روان‌درمانگران این است که باید به مراجعانشان کمک کنند تا واقعیت کمبود قدرت را صرفاً در خودشان درک کنند. در بسیاری از آنها، این امر با زندگی جاری شان فاصله دارد، از اینرو درک علت واقعی به وجود آمدن مشکلات فعلی برایشان سخت است.

هاگان و اشمایل تکنیک نقشه قدرت را برای تبیین قدرت‌ها و منابع موجود در هر شخص، ارائه

کردند. این نقشه (که در شکل ۲ نشان داده شده است) شامل بخشهایی است که مرتبط با ۴ حوزه اصلی: خانه و زندگی خانوادگی، زندگی اجتماعی، منابع شخصی و منابع مادی.

نمودار (۲) نقشه مجاورت قدرت‌ها و منابع



در مورد آخرین آنها (منابع مادی) که یکی از مهم‌ترین و در عین حال درمان‌کننده‌ترین آن‌ها را مشخص کرده‌اند، روانشناسی کمترین توجه را داشته است. نقشه، هر دو سطح را نشان می‌دهد که منابع موجود در حوزه‌ها و زیر دامنه‌های مختلف به عنوان کنترلی که فرد می‌توانست بر آن منابع اعمال کند، در اختیار شخص قرار می‌گیرد. در هر حوزه ممکن است دارائی‌هایی وجود داشته باشد که شخص می‌تواند از آنها استفاده کند و همچنین بدهی‌هایی هم باشد که ممکن است به طور قابل ملاحظه ای توانایی فرد را در تعامل با موقعیت‌ها، مختل کند.

جان کنت گالبرایت^۱ (۱۳۷۱، ص. ۳۱ و ۳۲) در کتاب "آناطومی قدرت" عناصر کیفی‌دهنده و پاداش‌دهنده را از مشخصات مرئی (عینی) قدرت می‌داند و قدرت شرطی‌کننده را از عناصر ذهنی می‌شمارد: «قدرت شرطی حاصل جریانی است که از تشویق عینی و مرئی شروع شده و تا معتقد ساختن فرد به صحت ذاتی یک چیز در بافت اجتماعی آن ادامه می‌یابد. این قدرت می‌تواند صریح

1. Galbraith, J.K.

یعنی ماحصل تلاشی مستقیم و مرئی برای جلب اعتقادی باشد که خود بازگویی مقاصد فرد یا گروهی جویای قدرت یا اعمال‌کننده قدرت است، یا اینکه اعتقاد ضمنی اوضاع اجتماعی یا فرهنگی باشد یعنی اطاعت از اعمال قدرت دیگران بازتاب نظر مقبول در جامعه نسبت به رفتاری باشد که از فرد انتظار می‌رود... تا جایی که به صورت انقیادی تحمیلی درمی‌آید که فرد متوجه آن نیست و آن را مسلّم می‌پندارد. یک نکته مهم اینکه به موازات حرکت تدریجی فرد از شرطی کردن صریح به سمت شرطی کردن ضمنی است که اجتماع نیز پذیرای قدرت شرطی می‌شود». گالبرایت منابع قدرت/ توانمندی را شخصیت، مالکیت و سازمان می‌داند، البته این سه در یک رابطه تعاملی باهم عمل می‌کنند (همان).

در یکی از بهترین مطالعات انجام شده در زمینه توانمندسازی توسط اسپریتزر (۱۹۹۲) چهار بُعد برای توانمندسازی شناسایی شد و میشرا^۱ (۱۹۹۲) یک بُعد دیگر به آن افزود و پنج بعد کلیدی توانمندسازی شکل گرفت: احساس خود اثربخشی یا شایستگی، احساس خودسامانی، پذیرش شخصی نتیجه، معنی دار بودن و اعتماد.

جدول (۳) ابعاد توانمندسازی

شماره	بُعد	تبیین
۱	احساس خود اثربخشی	افراد اعتقاد دارند مهارت و توانایی لازم را برای انجام کارهای خود دارند
۲	خودسامانی	احساس حق انتخاب، ابتکار عمل، آگاه‌گری و اینکه افکار جدید خود را به آزمون بگذارد
۳	پذیرش شخصی نتیجه	احساس کنترل شخصی بر نتایج و اینکه با اثر گذاری بر محیط به نتایج مطلوب برسد
۴	معنادار بودن	افراد برای مقصود یا اهداف فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، ارزش قائل می‌شوند
۵	اعتماد	احساس امنیت در محیط و اینکه اطمینان دارند با آنان منصفانه رفتار می‌شود

1. Spiritzer and Mishra

روانشناسان جامعه‌نگر که در مورد توانمندسازی بحث کرده‌اند بر زمینه خاص، پویایی و متکثر بودن توانمندسازی تاکید کرده‌اند. همانطور که فاستر - فیشمن^۱ و همکارانشان (۱۹۹۸، ص. ۵۳۱) گفته‌اند: «... پیچیدگی توانمندسازی چالش مهمی را برای افرادی که علاقه مند به تحقیق در موضوع توانمندسازی هستند ایجاد کرده است». توانمندسازی در جوامع مختلف متفاوت است، جنسیت، طبقات قومی و اجتماعی، تاریخ گذشته آنها و... در توانمندسازی موثر است. همچنین توانمندسازی (سازه‌ای) پویاست که با گذر زمان تغییر میکند. چنین پیچیدگی‌هایی مطمئناً ایده «سنجش توانمندسازی، قابل اجرای جهانی است»، را رد می‌کند (زیمرن، ۱۹۹۵). اولاً این که توانمندی چیست، احتمالاً برای جمعیت‌های مختلف مردم متفاوت است - افراد با جنسیت‌های مختلف، به عنوان مثال، پیشینه قومی و طبقه اجتماعی - بسته به تاریخ گذشته آنها و شرایط فعلی متفاوتند. علاوه بر این، آنچه به عنوان توانمندی شناخته می‌شود ممکن است در شرایط گوناگون، بسیار متفاوت باشد. توانمندسازی ممکن است در حوزه‌های مختلف زندگی، مانند محیط‌های کاری، خانوادگی و تفریحی بسیار متفاوت به نظر برسد. اما ممکن است همچنین اشکال بسیار متفاوت در انواع متفاوتی در همان محیط وجود داشته باشد. به عنوان مثال در محیط‌های کاری مختلف که هنجارهای متفاوتی در مورد نحوه تصمیم‌گیری و اینکه چه کسی تصمیم بگیرد، باز هم این تفاوتها را مشاهده می‌کنیم. علاوه بر این، احتمالاً گاهی اوقات، توانمندسازی در طول زمان با سرعت بیش از حد تغییر می‌کند (زیمرن، ۱۹۹۵).

در مورد ماهیت و چیستی قدرت (توانمندی) دیدگاه‌های زیر را هم می‌توان در نظر گرفت:

جدول (۴) آراء اندیشمندان در باره چیستی قدرت / توانمندی

(نقل از نبوی، ۱۳۷۹ و اسکندری و دارابکلایی، ۱۳۸۳)

شماره	دیدگاه	تعریف
۱	ماکس وبر	امکان تحمیل اراده خود بر رفتار دیگران
۲	برتراند راسل	پدید آوردن آثار مطلوب
۳	رابرت دال	زیرمجموعه‌ای از روابط میان واحدهای اجتماعی که رفتار یک واحد یا بیشتر

1. Foster-Fishman, P.G.

2. Zimmerman, M.A.

شماره	دیدگاه	تعریف
		در شرایط خاص به رفتار واحدهای دیگر وابسته باشد.
۴	هانا آنت	توانایی آدمی برای عمل، در اتفاق عمل با گروه
۵	تالکوت پارسونز	واسطه‌ای تعمیم یافته برای تضمین اجرای تعهدات الزام آور واحدهای نظام سازمان جمعی، وقتی که تعهدات تأثیرشان بر اهداف جمعی مشروعیت یابند
۶	نیکولاس پولانتراس	توانایی یک طبقه اجتماعی برای تحقق منافع خاص عینی خود
۷	ابن خلدون	قومیت (نیروی نظامی) و ثروت (مایه قوام حکومت و تأمین کننده احتیاجات آن) منبع قدرت است.
۸	جان گالبرایت	امکان تحمیل اراده فرد بر رفتار جمعی دیگر
۹	داریوش آشوری	توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکلی
۱۰	امام خمینی	توان به فعلیت رساندن جمیع منابع معنوی و مادی قابل دسترس انسان‌ها برای دستیابی به عدالت و رستگاری

تعریف قدرت در الهیات و حکمت

قدرت از جمله مفاهیمی است که در علوم طبیعی، علوم اجتماعی و الهیات کاربرد دارد. در علوم طبیعی با مفهوم قدرت، توان و نیرو در فیزیک و مکانیک سرو کار داریم، در الهیات نیز هم در اسماء و صفات الهی با واژگان قادر، قدیر و قدرت مواجهیم و هم در باره انسان مکلف و مسئول، وی را دارای اختیار، اراده، آگاهی و قدرت برای انجام وظایف می‌دانیم. فیلسوفان و متکلمان اسلامی قدرت را این گونه تعریف کرده‌اند: «توانایی فاعل در انجام فعل و ترک آن» (فخر رازی، ۱۴۱۱ق. ص. ۴۹۳؛ جرجانی، ۱۴۱۹ق. ج. ۸، ص. ۴۹ و علامه حلی، ۱۴۰۷ق. ص. ۲۸۲). البته این تعریف مورد بحث و مناقشه قرار گرفته (از جمله ر. ک. نبوی، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۵) که مجال آن در این نوشتار نیست. علامه طباطبایی (۱۳۹۲، ص. ۲۶۱) بر اساس دیدگاه حکمت متعالیه قدرت را اینگونه تعریف می‌کند: «یکی از اموری که از کمالات وجودی شمرده می‌شود، قدرت است. قدرت تنها در حالت فعل وجود دارد نه انفعال. البته هر فعلی ملازم با قدرت نیست، بلکه قدرت ملازم با فعلی است که فاعل نسبت به آن آگاهی داشته باشد. بنابر این مبدا بودن فاعل‌های طبیعی و فاقد شعور، قدرت آنها محسوب نمی‌شود و نیز فعل هر فاعل عالم به فعلش، نیز ملازم با قدرت نیست، بلکه قدرت ملازم با فعل علمی‌ای است که

علم به فعل، فاعل را برانگیزاند. بنابر این منشأ بودن انسان نسبت به افعال طبیعی بدن (مانند ضربان قلب)، قدرت نیست، اگرچه انسان نسبت به افعال طبیعی بدن خویش علم داشته باشد (چون برانگیزاننده نیست). قدرت ملازم با فعلی است که فاعل می‌داند آن فعل برای او خیر است... پس از آنکه علم به خیر بودن برای فاعل حاصل شد، به دنبال آن در فاعل نسبت به انجام فعل شوقی پدید می‌آید، سپس خیر مورد علاقه و اشتیاق قرار می‌گیرد... پس قدرت عبارت است از: مبدء بودن فاعل نسبت به انجام فعل با علم به اینکه آن فعل برای او خیر است، به گونه‌ای که این علم به همراه خود اختیار در فعل و شوق به سوی فعل و اراده فعل را در فاعل ایجاد کند...». البته همین مقدار که فاعل گمان کند فعل برای او خیر است کفایت می‌کند (هرچند واقعاً خیر نباشد).

در علوم اجتماعی و علوم انسانی مانند روانشناسی نیز واژه قدرت و توانمندی به صورت‌های گوناگون به کار می‌رود. در انسان و جامعه انسانی، قدرت انسانی کاربردی ارادی و اختیاری دارد و جبری و ناآگاهانه نیست، هرچند به لحاظ زمینه‌ها و عوامل پیدایش قدرت، می‌توان گفت که گاهی به صورت تأثیر و نفوذ غیر اختیاری خود را نشان می‌دهد و عوامل تکوینی و غیرارادی در ایجاد قدرت انسانی اثرگذارند. البته قدرت انسانی در اشکال گوناگون نمود می‌یابد:

جدول (۵) شکل‌ها و نمودهای قدرت / توانمندی در انسان

(نقل از اسکندری و دارابکلابی، ۱۳۸۳، مصباح، ۱۳۸۸)

شماره	شکل قدرت	نمونه
۱	نیروی فیزیکی و جسمانی	قدرت دفاع در مقابل دشمن و حیوان درنده، استفاده از نیروی دست و پا برای کارهای سخت
۲	قدرت، ذوق و استعداد هنری	توانایی سرودن شعر، نقاشی، مجسمه‌سازی، فیلمسازی
۳	قدرت علمی	توانایی حل معضلات و مسائل علمی، اختراع، اکتشاف و فناوری
۴	قدرت اقتصادی	بهبود بخشیدن به معیشت و وضع زندگی، تأمین نیازهای مادی، اشتغال، استفاده از تخصص‌های صنعتی و فنی
۵	قدرت مدیریتی	توانایی سازماندهی، برنامه‌ریزی، استخدام و به کارگیری تعدادی از انسان‌ها
۶	قدرت نظامی	وجود ابزارها و ماشین‌های جنگی، سربازان و نیروهای نظامی،

شماره	شکل قدرت	نمونه
		تخصص‌های رزمی و توانایی استفاده از آنها
۷	قدرت سیاسی	توان مدیریت و راهبری مردم، سلطنت بر کشور، توانایی بسیج همگانی و فراخوانی عمومی
۸	قدرت متافیزیکی	توانایی‌های فراروانشناختی و معنوی از قبیل ذهن خوانی، تله پاتی، دورجنبانی، تصرف غیرعادی در موجودات (مانند آوردن تخت ملکه سبا از یمن به فلسطین، نمل/۴۰؛ شفای کورمادرزاد، آل‌عمران/۴۹)

جابجایی در قدرت و توانمندی‌ها

آلویس تافلر جامعه‌شناس امریکایی در کتاب جابجایی در قدرت (۱۳۹۵/۱۹۹۰) بحث مهمی را در تغییر و جابجایی موضوع قدرت مطرح می‌کند. البته در تعریف قدرت بیان می‌کند: قدرت در عیان ترین شکل خود، عبارت از استفاده از خشونت و ثروت و دانایی (در معنای وسیع آن) برای واداشتن مردم به انجام کاری خاص است (همان، ص. ۲۹). وی نشان می‌دهد که نقش عناصر سه گانه قدرت: زور (خشونت)، پول (ثروت) و دانایی (معرفت) در حیات سیاسی و اجتماعی بشر و تحول جایگاه و اهمیت آنها در طول تاریخ چگونه بوده است. دانایی و خشونت و ثروت و روابط میان آنها، قدرت را در جامعه تعریف می‌کند. البته در میان سه منبع اساسی قدرت، ثروت بهتر از خشونت و دانایی از هر دو بهتر است، زیرا آسیب کمتر و انعطاف بیشتری دارد. وی همچنین نشان می‌دهد که چطور امروزه دانایی به نیرومندترین عنصر قدرت تبدیل شده است و حتی زور و ثروت نیز به میزان حیرت انگیزی به دانایی وابسته شده‌اند (حتی تسلیحات کم ارزش کنونی هم به کمک کامپیوترهای هوشمند یا تراشه‌های الکترونیکی ساخته می‌شوند، ثروت نیز به طور روزافزونی به قدرت مغزی و کامپیوترها وابسته شده). بنابر این نه تنها معلوم شده که دانایی فی نفسه، بهترین منبع قدرت است، بلکه از مهمترین عناصر تشکیل دهنده زور و ثروت نیز به شمار می‌رود. به بیان دیگر، دانایی به جوهر اصلی قدرت پولی و زور تبدیل شده و تقویت کننده نهایی است. این کلید جابجایی در قدرت است (ص ۳۴). ما به عصر اطلاعات و دوره دانایی وارد شده ایم.

دانیی^۱ چیست؟ داده^۲ به معنای واقعیت‌های کمابیش بدون ربط با یکدیگر است و اطلاعات^۳ به داده‌هایی گفته می‌شود که در مقوله یا طرح‌های طبقه‌بندی شده یا الگوهای دیگر جای گرفته باشند و اما دانیی اطلاعاتی است که با پردازش بیشتر به گزاره‌های عامتری تبدیل شده باشد... دانیی حداقل در اصول بی‌نهایت قابل گسترش است و برخلاف خشونت و ثروت قابل اشتراک با دیگران است. زور و ثروت هر دو در مالکیت افراد قوی و دارا قرار دارند، اما ویژگی واقعاً انقلابی دانیی است که حتی ضعیف و نادار هم می‌توانند آن را به چنگ آورند. دانیی مردمی‌ترین منبع قدرت است، حتی وقتی قدرتمندان از آن برای افزایش قدرت خود استفاده می‌کنند برایشان تهدیدی دائمی می‌شود (همان، ص. ۳۵ و ۳۷). وی به نمونه‌های بسیاری از تغییر و جابجایی در قدرت می‌پردازد که زمینه‌های توانمندی را هم متفاوت می‌کند. در اینجا فقط به سه مورد اشاره می‌کنیم:

۱. حدود بیست سال پیش، جنرال موتورز، برجسته‌ترین کمپانی تولید کارخانه ای جهان، انگاره ای آرمانی برای مدیران کشورهای جهان و خانه قدرت سیاسی برای واشنگتن محسوب می‌شد. امروزه به گفته یکی از مقامات بالای این شرکت، «ما برای حفظ موجودیت خود تلاش می‌کنیم». چه‌بسا در سال‌های آینده شاهد تجزیه واقعی جنرال موتورز باشیم (همان، ص. ۱۳).

۲. حدود بیست سال پیش آی بی ام تنها چند رقیب ضعیف داشت و شاید ایالات متحده بیش از مجموع همه کشورهای جهان دارای رایانه بود. در حال حاضر، قدرت رایانه به سرعت در سراسر جهان پخش شده و سهم امریکا از این صنعت کاهش یافته است و آی بی ام رقبای سرسختی چون NEC و هیتاچی و فوجیستر در ژاپن، گروپ بول در فرانسه، ICL در بریتانیا و بسیاری دیگر را در برابر خود دارد. تحلیلگران صنعتی بر این گمانند که عصر مابعد آی بی ام فرا رسیده است (همان، ص. ۱۴).

۳. امروزه بار دیگر نشانه‌هایی از رستاخیز دین به چشم می‌خورد که در بسیاری از نقاط جهان، حتی با افراط بنیادگرایانه ای دنبال می‌شود. در خاورمیانه، بلافاصله پس از جنگ جهانی اول، رهبرانی نظیر آتاتورک، رضاشاه و شاه ایران به قدرت رسیدند. اینان مردانی بودند که خود را متعهد می‌دیدند جامعه خویش را نوسازی کنند و رفته رفته جوامعی دنیوی (سکولار) برپا داشتند که در آن

-
1. knowledge
 2. Data
 3. Information

روحانیون و تندروهای مذهبی مجبور به عقب نشینی شدند. اما این رژیم‌های دنیوی با استعمارگرایی غربی هم هویت شدند. سرآمدان حاکم به جای توزیع گسترده درآمد، بیشتر وقت خود را به اسکی کردن در گشتاد^۱ و مشورت با بانکداران خصوصی شان در زوریخ می‌گذراندند. در اثنای جنگ سرد، سازمان‌های جاسوسی قدرت‌های صنعتی، خواه سرمایه داری یا کمونیستی نیز گاهی کمک مالی پنهانی به افراطیون خاورمیانه را در جهت منافع خود می‌دیدند. همه این عوامل، بنیادگرایی مذهبی را دامن زد.... بنابر این با پایان عصر صنعتی، فلسفه دنیوی حاکم بر این تمدن از درون و برون و یکباره از همه سو دستخوش حمله واقع شد و بنیادگرایی و مذهب به طور کلی بال و پر گرفت (همان، ص. ۵۷۳ و ۵۷۴). وقتی آیت الله خمینی حکم اعدام سلمان رشدی را صادر کرد و کتاب آیات شیطانی را کفرآمیز اعلام نمود، برای همه حکومت‌های جهان، پیامی تاریخی فرستاد. این پیام فوراً از طریق ماهواره و تلویزیون و مطبوعات انتقال یافت، اما آن را کاملاً غلط فهمیدند. می‌توان استدلال کرد که کتاب سلمان رشدی، لحن بدی داشته است و از روی تعمد بسیاری از مسلمانان را رنجانده است و کل مذهب را به باد استهزاء گرفته و قرآن را زیر پا گذاشته است. در واقع آیت الله خمینی همه اینها را گفته است، اما پیام واقعی او این نبود. آیت الله خمینی به جهان می‌گفت که دولت ملی، دیگر تنها یا حتی مهمترین بازیگر صحنه جهانی به شمار نمی‌آید... بازی قدرت جهانی را که در دهه‌های آینده در حال نوپیدایی است، نمی‌توان بدون به حساب آوردن قدرت رو به رشد اسلام و مذهب کاتولیک و دیگر مذاهب - یا تعارضات جهانی و جنگ‌های مقدس میان آنها - درک کرد (همان، ص. ۶۹۰-۶۹۴). بنابر این توانمندسازی امروزه مفهوم بسیار پیچیده و چندبعدی است، که افزون بر ابعاد اخلاقی و روانشناختی، توجه به دانایی و محوریت دانایی در همه ابعاد و نیز جایگاه دین و معنویت در توانمندسازی فردی و به ویژه اجتماعی حائز اهمیت است.

روش‌شناسی

روش پژوهش در این تحقیق، تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن با رویکرد اخلاقی روانشناختی است. در این روش گزاره‌ها، واژگان و مفاهیم مرتبط با یکدیگر تحلیل می‌گردند و خطوط مشترک و جامع استخراج می‌شود و با دسته بندی و طبقه بندی مناسب به یک مدل بدیع می‌رسیم.

۱. Gstaad-Saaneland - سانلند در سوئیس در ارتفاع ۳۰۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

یافته‌های اخلاقی روانشناختی توانمندسازی در قرآن

برخی از اندیشمندان (مصباح، ۱۳۸۸) دسته‌بندی ویژه‌ای براساس نگاه قرآن به مفهوم و انواع قدرت (توانمندی) در انسان ارائه کرده است:

جدول (۶) انواع قدرت و توانمندی بر اساس نمونه‌های قرآنی

شماره	انواع کلی قدرت	اقسام توانمندی‌های خاص	نمونه‌های قرآنی
۱	قدرت طبیعی (فیزیکی)	اعمال قدرت طبیعی انسان در طبیعت	تسخیر آنچه در آسمان و زمین است، قدرت خانه سازی، شهرسازی، صید از دریا برای غذا و پوشاک (لقمان، ۲۰ و اعراف، ۷۴ و نحل، ۱۴).
		اعمال قدرت انسان نسبت به جانوران	توان استفاده از چهارپایان و پرندگان برای سواری، زیبایی‌شناختی و تغذیه (نحل، ۶-۸ و ۸۰-۸۱؛ غافر، ۷۹).
		اعمال قدرت و استفاده از سایر انسان‌ها	لذت جنسی و بهره‌مندی زن و مرد از یکدیگر (بقره، ۲۲۳).
۲	قدرت تکنیکی	تصرفات با علوم تجربی متعارف	کشتی سازی، زره بافی (ابراهیم، ۳۲ و انباء، ۸۰)
		تصرفات با علوم غریبه و نامتعارف	استفاده از سحر و جادوگری (اعراف، ۱۱۶ و طه، ۶۶ و بقره، ۱۰۲).
۳	قدرت اجتماعی	اعمال قدرت مطلوب در تعاون و همکاری	ولایت برخی از مومنان بر دیگران (توبه، ۷۰)، مدیریت اجتماعی و استخدام (زخرف، ۳۲)، همکاری اجتماعی (مائده، ۲).
		قدرت نامطلوب در سلطه بر دیگران	حاکمیت طاغوت‌ها و ستمگران بر انسان‌ها (قصص، ۴).
۴	قدرت متافیزیکی	قدرت‌های نفسانی	به صدا درآوردن گوساله طلایی سامری (طه، ۸۸ و ۹۶)
		قدرت‌های الهی	تبدیل عصا به مار در دست حضرت موسی <small>علیه السلام</small> (طه، ۲۰)، زنده کردن مرده به دست حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> (آل عمران، ۴۹)، تصرفات حضرت سلیمان در حیوانات (انبیاء، ۸۱ و ۸۲)

در نگاه اسلامی بر اساس آیات قرآن، منابع قدرت و توانمندی با رویکرد اخلاقی روانشناختی راه می‌توان در چهار محور معنوی، آگاهی، اخلاقی و اجتماعی طبقه‌بندی کرد، که جنبه‌های ذهنی (درون‌گرایانه و شخصی) و عینی (بیرونی و اجتماعی) هر دو را دربر می‌گیرد:

۱) معنوی: ایمان، اخلاص، توکل، رضایت باطنی، دعا، نماز، ولایت و تقوی از جمله مفاهیم معنوی است که زمینه‌های توانمندی فرد را پدید می‌آورد. انسان بر اساس باورها و اعتقادات استوار و محکم می‌تواند قدرت و توانمندی خود را دو چندان کند: «خداوند کسانی را که ایمان آوردند، در گرفتار و اعتقاد ثابت، هم در این جهان و هم در سرای دیگر استوارشان می‌دارد...»^۱ (ابراهیم، ۲۷). امام باقر علیه السلام: مؤمن از کوه سخت‌تر (واستوارتر) است زیرا کوه با بُرش بخشی از آن کم می‌شود اما مؤمن از دیش هیچ کاسته نمی‌شود^۲ (کافی، ج. ۲، ص. ۲۴۱). امام صادق علیه السلام: به راستی هر چیزی در مقابل مؤمن خاشع است و از هیبت و مقام او حساب می‌برد، سپس فرمود: هنگامی که مؤمن خود را برای خداوند خالص کند (مخلص باشد)، خداوند همه چیزها را در برابر او خاضع می‌کند حتی حیوانات اهلی و وحشی و پرندگان و ماهیان دریا از او حساب می‌برند (بحار، ج. ۶۹، ص. ۲۸۵). حال این پرسش مطرح می‌شود که ایمان و امور معنوی چگونه باعث توانمندی می‌شوند؟ به تعبیر علمی رابطه میان ایمان/امور معنوی با قدرت و توانمندی چگونه قابل تبیین است؟ برخی از آیات و روایات که این رابطه را تبیین می‌کند در ادامه دنبال می‌کنیم:

«آنان که ایمان آوردند (مسلمانان) و یهود و صابئان و مسیحیان، هرگاه (واقعاً) به خداوند و روز جزا ایمان داشته باشند و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین خواهند شد»^۳ (مائده، ۶۹)

«موسی گفت: ای قوم من! اگر شما به خدا ایمان آورده اید، بر او توکل کنید اگر تسلیم فرمان او هستید. گفتند تنها بر خدا توکل داریم، پروردگارا! ما را مورد شکنجه (و مغلوب) گروه ستمگر قرار مده»^۴ (یونس، ۸۴ و ۸۵).

«(فرعون در مواجهه با ایمان ساحران) گفت: آیا پیش از اینکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ مسلماً او استاد و بزرگ شماست که به شما سحر آموخته (و این یک توطئه است)، اما به زودی خواهید دانست! دست‌ها و پاهای شما را به عکس یکدیگر قطع می‌کنم و شما را به دار می‌آویزم. گفتند: مهم نیست (هر کاری از دست ساخته است بکن، خسارتی به ما نمی‌رسد) ما به

۱. «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ»

۲. «المؤمن اصلب من الجبل، تستقل منه و المؤمن لا يستقل من دینه شیء»

۳. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»

۴. «وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

سوی پروردگاران باز می‌گردیم)^۱ (شعراء، ۴۹ و ۵۰).
 «ای کسانی که ایمان آورده اید! از صبر (استقامت) و نماز (رابطه مستمر با خداوند) کمک بگیرید، زیرا خداوند با شکیبایان است»^۲ (بقره، ۱۵۳).
 «... (اما) اگر (در برابرشان) استقامت و خویشتنداری کنید، نقشه‌های (خائنانه) آنان به شما زیانی نمی‌رساند، (زیرا) خداوند به آنچه انجام می‌دهند احاطه داد»^۳ (آل عمران، ۱۲۰).
 پیامبر خدا ﷺ: با صبر و استقامت پیروزی حاصل می‌شود و گشایش به سختی‌هاست و آسانی با مشکلات است^۴ (بخاری، ج. ۷۷، ص. ۸۸).
 امام علیؑ: با صبر و استقامت آرزوها برآورده می‌شود و اهداف بلندمرتبه واصل می‌گردند^۵ (غررالحکم).
 «... یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما»^۶ (روم، ۴۷).
 «... و خداوند کسانی را که به او کمک کنند، یاری می‌کند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است»^۷ (حج، ۴۰).
 «ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌کند»^۸ (محمد، ۷).
 «ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که

-
۱. «قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنَى لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأُزْجِلْكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَأَلْصَلْبَتِكُمْ أَجْمَعِينَ قَالُوا لَا صَبِيرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ»
 ۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»
 ۳. «إِنْ تُمْسِكُمْ حَسَنَةً تَسْؤُهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ»
 ۴. «إِنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَالْفَرَجَ مَعَ الْكُرْبِ وَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»
 ۵. «بِالصَّبْرِ تَدْرِكُ الرِّغَابَ، بِالصَّبْرِ تَدْرِكُ مَعَالِيَ الْأُمُورِ»
 ۶. «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ»
 ۷. «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»
 ۸. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَصْبِرُوا اللَّهُ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»

گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم»^۱ (غافر، ۵۱).

«بلکه خداوند ولّی و سرپرست شماسست و او بهترین یاوران است»^۲ (آل عمران، ۱۵۰).

«... پس نماز به پا دارید و زکات بدهد و به خداوند تمسک جویند، که او مولا و سرپرست

شماسست، چه مولای خوب و چه یاور شایسته ای،»^۳ (حج، ۷۸).

سازوکارهای روانشناختی-معنوی: بنابر این منابع معنوی بر اساس آیات و روایات پیشین، با سازوکارهای رفع ترس و اندوه و نگرانی؛ احساس عدم خسارت و زیانکاری (معنابخشی)؛ تقویت صبر، استقامت و خویشنداری؛ ارتباط مستمر با خداوند از طریق دعا و نماز و نیایش و جلب انرژی‌های معنوی؛ امداد و یاری و نصرت خداوند با سرپرستی و ولایت مؤمنان همگی باعث توانمندی و احساس قدرت می‌شود. البته گاهی این نصرت و امداد غیبی و الهی با کمک فرشتگان انجام می‌شود و گاهی به صورت آرامش و توانمندی روحی و روانی در خود فرد محقق می‌گردد و گاهی نیز با مساعد کردن اسباب و زمینه‌های محیطی لازم اتفاق می‌افتد:

«آری اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به سراغ شما به زودی آید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان نشاندار (مارک دار) یاری خواهد داد و اینها را خداوند فقط بشارت و برای اطمینان خاطر شما قرار داده و گرنه، پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است»^۴ (آل عمران، ۱۲۵ و ۱۲۶).

«او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند، لشکریان آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خداوند دانا و حکیم است»^۵ (فتح، ۴).

«ما به او (ذوالقرنین) در روی زمین، قدرت و حکومت دادیم و اسباب هر چیز را در اختیارش

۱. «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»

۲. «بَلَى اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ»

۳. «فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ»

۴. «بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّن الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»

۵. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْذَبُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا.»

گذاشتیم و او از این اسباب پیروی (و استفاده) کرد^۱» (کهف: ۸۴ و ۸۵).

در تفسیر این آیات نیز همین مطلب را مشاهده می‌کنیم: «... حمایتی بی دریغ و مؤکد به انواع تاکید، حمایتی که بی قید و شرط است و به همین جهت انواع پیروزیها را به دنبال دارد، و اعم از پیروزی در منطق و بیان، یا پیروزی در جنگها، یا فرستادن عذاب الهی بر مخالفان و نابود کردن آنان و یا امدادهای غیبی که قلب را تقویت و روح را به لطف الهی نیرومند و قوی می‌سازد (تفسیر نمونه، ج. ۲۰، ص. ۱۲۷). «... مفسرین نصرت الهی را گفتند به اقامه حجت و به غلبه در محاربه و به الطاف و تأییدات و به قوت قلب و به هلاکت دشمنان، هر کدام به مقتضای مصلحت و حکمت...» (اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج. ۱۱، ص. ۳۸۶).

قوت از حق خواهم و توفیق و لاف	تا به سوزن برکنم این کوه قاف
هر که او را قوت ایمانی بود	وز برای زاد ره نائی بود
می‌ستانم گه به مکر و گه به ریسو	تا بر آرند از پشیمانی غریو
گه به درویشی کنم تهدیدشان	گه به زلف و خال بندم دیدشان
قوت ایمانی درین زندان کمست	وانک هست از قصدا این سگ در خمست
از نماز و صوم و صد بیچارگی	قوت ذوق آید برد یکبارگی
استعیذ الله من شیطانہ	قد هلکنا آه من طغیانہ
یک سگست و در هزاران می‌رود	هر که در وی رفت او می‌شود
هر که سردت کرد می‌دان کو دروست	دیو پنهان گشته اندر زیر پوست
چون نیابد صورت آید در خیال	تا کشاند آن خیالت در وبال
گه خیال فرجه و گاهی دکان	گه خیال علم و گاهی خان و مان
هان بگو لاحولها اندر زمان	از زبان تنها نه بلک از عین جان

(مثنوی، دفتر دوم)

ویلیام جیمز در کتاب انواع تجربه دینی (۲۰۰۲، ص. ۲۰۳) به آثار دینداری می‌پردازد: «... ما باید ابتدا

۱. إِنَّا مَكْنَأُ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبِيًّا فَاتَّبِعْ سَبِيًّا»

ثمرات حیات دینی را توصیف کنیم و سپس در باره آنها داوری کنیم... بهترین ثمرات تجربه دینی، بهترین چیزهایی است که تاریخ به خود دیده است... بالاترین پروازهای مهرورزی، فداکاری، توکل، شکیبایی و شجاعت که در آنها بالهای انسانیت دامنه خود را گسترده است، برای آرمان‌های دینی است». سپس آثار و پیامدهای عملی این اوضاع و احوال باطنی را در چهار محور زهد (وارستگی)، قوت قلب (قدرت روح)، خلوص و مهرورزی برمی‌شمارد، در اینجا به مناسبت به ویژگی قوت قلب در انسان مؤمن اشاره می‌کنیم: «احساس گستردگی حیات ممکن است چنان اوج بگیرد که انگیزه‌ها و بازدارنده‌های فردی که معمولاً بر شخص چیرگی دارند بسیار ناچیز جلوه کنند و گستره‌های تازه‌ای از صبر و شکیبایی در برابر او گشوده شوند. ترس‌ها و نگرانی‌ها از بین می‌روند و جای آنها را تعادل و آرامش فکری می‌گیرد...» (همان، ص. ۲۱۲).

پارگامنت (۱۳۹۹/۲۰۰۷، ص. ۹۳) نیز با مطرح کردن یک مراجع واقعی به نام سیندی، امر قدسی را به عنوان یک نیروی انگیزشی قوی تعریف می‌کند که در ناملایمات و سختی‌های زندگی می‌تواند راهگشا و هدایتگر باشد: «... هر چند هیچ درامی بدون طرح اصلی داستان شکل نمی‌گیرد، نیروی مهمی که کلیت داستان را هدایت می‌کند، امر قدسی است. تشخیص نیروی هدایت کننده سیندی چندان دشوار نیست. از نخستین خاطره‌هایش که احساس می‌کرد خدا او را در بر گرفته است تا رؤیاهای قدسی‌ای که اکنون می‌خواهد به فرزندانش انتقال دهد. زندگی وی در مسیر رسیدن به امر قدسی بوده است. «اشتیاق او به خدا» او را به مسیرهای فراوانی کشانده که برخی مخاطره‌آفرین و برخی ثمربخش بوده‌اند. با این حال خداوند همواره قوی‌ترین نیرویی است که در زندگی سیندی حضور داشته و همچنان دارد. به بیان تیلیش (۱۹۵۷) مهمترین دلنگرانی مشتاقانه او همین بوده است».

قوتت از قوت حق می‌زهد نه از عروقی کز حرارت می‌جهد

این چراغ شمس کو روشن بود نه از فتیل و پنبه و روغن بود

سقف گردون کو چنین دایم بود نه از طناب و استنی قایم بود
 قوت جبریل از مطبخ نبود بود از دیدار خلاق وجود
 همچنان این قوت ابدال حق هم ز حق دان نه از طعام و از طبق
 جسمشان را هم ز نور اسرشته‌اند تا ز روح و از ملک بگذشته‌اند
 چونک موصوفی باوصاف جلیل ز آتش امراض بگذر چون خلیل

گردد آتش بر تو هم برد و سلام ای عناصر مر مزاجت را غلام
 (مثنوی، دفتر سوم)

نمونه‌های واقعی و عینی تأثیر معنویت در قدرت، توانمندی و استقامت را در افرادی چون بلال حبشی، عمار و مقداد از یاران نزدیک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در زیر سخت‌ترین شکنجه‌ها و آزارها مقاومت می‌کردند، می‌توان دید. بلال کسی بود که به رغم شکنجه‌های طاقت فرسا مانند تخته سنگ را بر سینه وی قرار دادن و تازیانه زدن برای اینکه دست از باور به خدای یگانه بردارد، اما او زیر شکنجه می‌گفت: احد، احد (یعنی فقط خدای یگانه را می‌پرستم) «... بلال از نخستین کسانی بود که اسلام اختیار کرد (ابن سعد، ج. ۴، ص. ۲۱۵؛ ابن حنبل، ج. ۱، ص. ۴۰۴؛ طبری، ج. ۲، ص. ۳۱۵؛ ابن عبدربه، ج. ۳، ص. ۳۵۵) و در این راه شکنجه‌های فراوانی از کفار مگه، بویژه اُمیّه بن خَلَف، دید ولی از دین خود دست برنداشت (ابن هشام، ج. ۱، ص. ۲۱۰-۲۱۱؛ طبری، ج. ۲، ص. ۴۵۲؛ ابونعیم، ج. ۱، ص. ۱۱۴۸). وَرَقَةَ بن نُوفَل از جمله کسانی بود که شاهد شکنجه شدن او بود و معترض بدان؛ و ابیاتی نیز در این باره از او نقل شده است (ابن اسحاق، ص. ۱۹۰؛ ابن هشام، ج. ۱، ص. ۲۱۱؛ ابوالفرج اصفهانی، ج. ۳، ص. ۱۲۰-۱۲۱). عَمَّار یاسر نیز در ابیاتی بلال را مدح گفته و زحماتش را ستوده است (ابن اسحاق، ص. ۱۹۰-۱۹۱). از بلال در زمره «نجبا» و «رفقا»ی پیامبر اکرم یاد شده است (ابن حنبل، ج. ۱، ص. ۱۴۸؛ ابن عساکر، ج. ۱۰، ص. ۴۵۲) [به نقل از دانشنامه جهان اسلام، ج. ۳، مدخل بلال] در طول تاریخ نیز از این نمونه‌ها فراوان وجود دارد.

۲) **آگاهی:** مفاهیم علم، معرفت، یقین، تفکر، بصیرت و... در آموزه‌های دینی از جمله عناوینی است که زمینه‌های توانمندی افراد را ایجاد می‌کند. آگاهی به ویژه در معرفت‌های یقینی از چند جهت انسان را توانمند می‌کند: ۱. جهل نسبت به عوامل و اسباب پدیده‌ها و حوادث، انسان را در همان ناحیه آسیب پذیر می‌کند. دانشجویی که نمی‌داند چگونه باید واحد درسی اش را بگیرد، یا نمی‌داند چگونه باید خوابگاه رزرو کند یا ژتون غذا بگیرد به طور طبیعی در این موارد ناتوان می‌شود و کاری از پیش نمی‌برد. خانم خانه داری که اطلاع لازم در مورد تهیه مواد غذایی مرغوب در محله

جدید ندارد، به ناچار دچار مشکل می‌شود؛ ۲. علم و آگاهی در هر زمینه‌ای که وارد می‌شود، باعث احساس اعتماد به نفس و تقویت اراده انسان در انجام امور است. کارمندی که در آغازکار خود با مشورت لازم و آموزش‌های ضروری، آگاهی‌های مربوطه را نسبت به فرایند انجام کار کسب کرده، با اعتماد به نفس و احساس توانمندی بالاتر وارد کار می‌شود؛ ۳. آگاهی و معرفت در هر حوزه‌ای موجب می‌شود به جزئیات و دقایق آن کار اشراف کافی داشته باشد و بهتر بتواند موانع و مشکلات احتمالی را پیش‌بینی کند و به استقبال آنها با توانمندی لازم برود. دانشجویی که برای کنکور ارشد آماده می‌شود، با آگاهی حاصل از مشورت مشاوران می‌تواند موانعی مانند خستگی، بی‌توجهی، عدم تمرکز و... را پیشاپیش پیش‌بینی کند و با آمادگی و تمرین لازم آنها را کاهش دهد.

خرد گر سخن برگزیند همی همان را گزیند، که بیند همی

ستودن نداند کس، او را چو هست میان بندگی را ببايدت بست

خرد را و جان را همی سنجد اوی در اندیشه سخته کی گنجد اوی

بدین آلت رای و جان و زبان ستود آفریننده را کی توان

به هستیش باید که خستو شوی ز گفتار بی‌کار یک‌سو شوی

پرستنده باشی و جوینده راه به ژرفی به فرمانش کردن نگاه

توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود

از این پرده برتر سخن‌گاه نیست زهستی مر اندیشه را راه نیست

(فردوسی)

رابطه علم و آگاهی با قدرت و توانمندی نیز در برخی از آیات و روایات آمده است: «(اما) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن (تخت بلقیس) را (با قدرتی که در اختیار دارم) نزد تو خواهم آورد و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: این از فضل پروردگار من است...»^۱ (نمل، ۴۰). وزیر حضرت سلیمان نبی ﷺ یعنی اصف بن برخیا کسی است که دارای بخشی از علم الکتاب بوده و باعث می‌شود

۱. «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ»

توانمندی و قدرت ویژه ای پیدا کند که تخت ملکه سبا را در زمان چشم برهم زدن (کمتر از یک ثانیه) از سبا (یعنی کشور یمن کنونی) به ملک سلیمان (فلسطین کنونی) با فاصله حدود ۲۵۰۰ کیلومتر منتقل کند (المیزان، ج. ۱۵، ص. ۳۶۳؛ تفسیر نمونه، ج. ۱۵، ص. ۴۶۹).

«و پیامبرشان به آنها گفت: خداوند طالوت را برای فرماندهی شما مبعوث (و انتخاب) کرده است. گفتند: چگونه او بر ما حکومت کند با اینکه ما از او شایسته تریم و او ثروت زیادی ندارد؟! گفت: خدا او را بر شما برگزیده و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند ملکش را به هرکس خواهد می بخشد و احسان خداوند وسیع است و (از لیاقت افراد برای مناصب) آگاه است» (بقره، ۲۴۷). مجاورت علم و قدرت جسمانی در آیه قرآن نیز می تواند الهام بخش باشد.

«او (حضرت پیامبر اعظم ﷺ) آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست، آن کسی که قدرت عظیمی دارد (جبرئیل امین) او را علم آموخته است، همان کس که توانایی فوق العاده دارد، او سلطه یافت...» (انجم، ۴-۶). جبرائیل فرشته مقرب الهی است که سرچشمه و نماد علم و معرفت و وحی از جانب خداوند است و در این آیات نیز توانایی و قدرت عظیم وی با دانش و معرفت آموزی مقارن گشته است.

امام علی علیه السلام: علم، قدرت است، هرکس دانش را به دست آورد، می تواند قدرتمندی و قدرت نمایی کند و هرکس آن را نیافت به زیر کشیده خواهد شد^۳ (ابن ابی الحدید، ج. ۲۰، ص. ۳۱۹). همچنین دانش را مایه عزت می داند و قدرت دانش را بدون زوال می شمارد^۴.

۳) اخلاقی: مفاهیم و سرفصل های تزکیه، فضیلت، برّ، عزم، همت، استقامت و عمل به طور کلی و عناوین حرّیت، عزت، شرف، شجاعت، صبر، حلم، صدق و فتوّت به طور خاص از جمله مهمترین مفاهیم اخلاقی است که می توانند زمینه های توانمندی را فراهم آورند. فضیلت های اخلاقی از یک سو با وارستگی انسان؛ موانع حرکت (یا آفات توانمندی) مانند هوای نفس، دلبستگی به دنیا و

۱. «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ بِالْمَلِكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ

الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

۲. «إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيِي يُوحَىٰ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ»

۳. العلم سلطان، من وجده صال به و من لم يجده صيل عليه.

۴. امام علی علیه السلام: العلم عز (غررالحکم)، لیس لسلطان العلم زوال (المواعظ العديده، ص ۶۰).

جاه و مقام و ثروت؛ خودخواهی و عجب و تنگ نظری؛ طمع و حرص و زیاده طلبی؛ تبلی، سستی و راحت طلبی و... را زائل می‌کند و اجازه نمی‌دهد باعث توقف یا کندی حرکت و سیر انسان به سوی اهداف متعالی مورد نظر بشود. از سوی دیگر فضائل اخلاقی مانند صبر و استقامت، شجاعت و عزت و شرافت، حلم و مدارا و سعه صدر؛ فتوت و جوانمردی و حریت؛ صدق و راستی و درستکاری و... موجب می‌شود زمینه‌ها و مقتضیات نیل به مقصد و به ویژه اعتماد، همراهی، همگامی و مشارکت دیگران برای رسیدن به اهداف بلند فراهم گردد. البته برخی فضائل مانند شجاعت یا فتوت خودش معادل توانمندی و قدرت روحی و عملی انسان است. برخی از آیات و روایات در تبیین این رابطه مساعدت دارد:

«به (واسطه) رحمت الهی در برابر آنان (مردم) نرم و مهربان شدی، و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند، پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن. اما هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش و با قدرت) بر خدا توکل کن زیرا خداوند متوکلان را دوست می‌دارد»^۱ (آل عمران، ۱۵۹).

«پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارانند (یعنی به اهداف متعالی نائل می‌شوند)»^۲ (تغابن، ۱۶).

پیامبر اکرم ﷺ: هنگامی که خداوند ایمان را آفرید، عرض کرد: پروردگارا! مرا قدرت عطا کن، پس خداوند ایمان را به سبب حسن خلق (خوش اخلاقی) و سخاوتمندی توانمند ساخت و هنگامی که کفر را آفرید، عرض کرد پروردگارا! مرا قدرت عطا کن، پس خداوند کفر را با بخل و بد اخلاقی تقویت کرد^۳ (محجه البیضاء، ج. ۵، ص. ۹۰). اشاره کنایی به اینکه انسان با ایمان از طریق فضائل اخلاقی قدرتمند می‌شود و کفر و بی اعتقادی با بد اخلاقی مسیر خود را

۱. «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»

۲. «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَطِيعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لَأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

۳. لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْإِيمَانَ قَالَ: اللَّهُمَّ قَوِّنِي فَقَوَاهِ بِحَسَنِ الْخَلْقِ وَالسَّخَاءِ وَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْكُفْرَ قَالَ: اللَّهُمَّ قَوِّنِي فَقَوَاهِ بِالْبَخْلِ وَسُوءِ الْخَلْقِ.

به پیش می‌برد. برخی از روایات، حُسن خلق را به نرم خویی، خوش زبانی و خوش رویی با دیگران؛ سهولت درانس، الفت و رفاقت با دیگران؛ احساس رضایت و خشنودی نسبت به مصیبت‌ها و سختی‌ها تفسیر کرده است.^۱ همچنین مکارم اخلاق باعث رفعت و بلندی جایگاه اجتماعی انسان می‌شود و بد اخلاقی زمینه‌های زوال بزرگی و عظمت انسان را فراهم می‌کند. مکارم اخلاق به ارتباط برقرار کردن با کسانی که قهر کرده‌اند، بخشش کسی که به تو ستم کرده، لطف نمودن به کسی که تو را محروم کرده، سخن حق در همه جا، حتی اگر به زیان تو باشد و نیز داشتن فضائلی چون یقین، قناعت، شکیبایی، شکر و سپاسگزاری، بردباری، خوش اخلاقی، سخاوت، غیرت و ورزی، شجاعت و جوانمردی است که از مکارم اخلاق شمرده شده‌اند.^۲ با اندک تأملی روشن می‌شود که این مجموعه صفات و خصلت‌ها موجب توانمندی فرد می‌شود و در مقابل حوادث، مصایب و نامالایمات طبیعی یا محیطی و یا ظلم و ستم تبهکاران منفعَل و تسلیم نمی‌شود، بلکه با اعتماد به نفس (یعنی همین توانمندی‌ها) و توکل به قدرت لایزال الهی می‌تواند به مقابله با آنها بپردازد و راه حل مناسب و بهتر را پیدا کند.

۴) اجتماعی: مفاهیم اخوت، الفت، خدمت، احسان، معاشرت، مواسات، مسئولیت، صدیق و رفیق در آموزه‌های اسلامی که دلالت بر ارتباط اجتماعی مؤثر دارد در چارچوب سازوکارهای حقوق اخوان، جماعت، جمعه (نماز جمعه)، مسجد، شوری، عدالت اجتماعی و جهاد تحقق می‌یابند، همگی می‌توانند از منابع قدرت و توانمندی در ابعاد اجتماعی محسوب گردند. در آموزه‌های اسلامی ابتدا با ازدواج و تشکیل خانواده و اهتمام به خانواده نخستین سنگ بنای روابط

۱. پیامبر اکرم ﷺ: الا انبئکم بخیارکم؟ قالوا: بلی یا رسول الله، قال: احسنکم اخلاقاً الموطنون اکنافاً الذین یألفون و یؤلفون (بحار، ج. ۷۱، ص. ۳۹۶)، پیامبر خدا ﷺ: انما تفسیر حسن الخلق ما اصاب الدنيا یرضی و ان لم یصبه لم یسخط (کنز العمال، ج. ۵۲۲۹)، قیل للصادق علیه السلام ما حد حسن الخلق؟ قال: تلین جانبک و تطیب کلامک و تلقی اخاک بپش حسن (کافی، ج. ۲، ص. ۱۰۳).

۲. جاء رجل الی الصادق ﷺ فقال له: یابن رسول الله اخبرنی بمکارم الاخلاق، فقال: العفو عن ظلمک و صلہ من قطعک و اعطاء من حرمک و قول الحق و لو علی نفسک (بحار، ج. ۶۹، ص. ۳۶۸). امام صادق ﷺ: ان الله تبارک و تعالی خص رسول الله صلی الله علیه و آله بمکارم الاخلاق فامتحنوا انفسکم فان کانت فیکم فاحمدوا الله عزوجل و ارغبوا الیه فی الزیاده منها فذکرها عشره: الیقین و القناعه و الصبر و الشکر و الحلم و حسن الخلق و السخاء و الغیره و الشجاعه و المروره (همان، ص. ۳۶۸ و امالی صدوق، ص. ۱۸۴).

اجتماعی را تأکید می‌کند.^۱ دوم با سفارش به صله رحم و ارتباطات خویشاوندی دایره روابط اجتماعی را در فامیل و اقوام گسترش می‌دهد. تا اینجا علاوه بر روابط عاطفی و مراقبتی، وظایف مالی و حقوقی واجب مانند نفقه، ارث و... نیز وجود دارد که پیوندها را عمیق تر می‌سازد.^۲ در مرحله سوم با تأکید بر توجه به همسایگان^۳، افراد موجود در یک محله و هم مسجدی‌ها (با محوریت مسجد محله) و نیز توجه به برادران دینی (بر اساس آموزه « مؤمنان همگی برادران دینی هستند »)^۴ در شهر با محوریت مسجد جامع و نماز جمعه در بازه زمانی هفتگی شبکه گسترده‌ای از روابط اجتماعی (شامل روابط عاطفی مانند عیادت بیماران، اقتصادی مانند انفاق و زکات، سیاسی مانند جهاد، تولی و تبری، و روابط فرهنگی در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به خیر، تبلیغ دین و اخلاق) را ترسیم می‌کند. به تعبیر ماکس وبر (۱۳۸۴، ص. ۳۳۴) در کتاب « دین، قدرت و جامعه »: «انجمن‌ها و جوامع مذهبی هنگامی که به کمال رشد خود برسند از نوعی اقتدار جمعی برخوردار می‌شوند و در آنها پیوندهای مبتنی بر "روحانی‌سالاری" پدید می‌آید، به بیان دیگر بخشیدن یا محروم کردن از ارزش‌های مقدس را (گویا) در انحصار خود درمی‌آورند و از این رهگذر قدرت حاکمیتی خود را تقویت می‌کنند». در مرحله چهارم نیز تعامل امت اسلامی در کشورهای متعدد با یکدیگر به ویژه با محوریت حج و اهتمام به منافع جمعی مردم، حضور سالانه در جوار خانه خدا گسترده‌ترین شبکه اجتماعی را در سطح جهان رقم می‌زند.^۵ البته این به معنای زمینه‌سازی برای ارتباط با سایر مردم جهان^۶ در چهارچوب عدالت، انصاف، نیکوکاری و ادب با

۱. «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور، ۳۲).
۲. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (نساء، ۱)، فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ» (محمد، ۲۲).
۳. «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» (نساء، ۳۶).
۴. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، ۱۰).
۵. «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَمْرَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (حج، ۲۷ و ۲۸).
۶. «لَا يَنْهَأُكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه، ۸).

رویکرد تبلیغی یا برای روابط بر اساس منافع متقابل و مشترک نیز هست. افزون بر مسولیت عام اجتماعی برای اهداف عام المنفعه؛ تأکید بر مواسات^۱، تکافل اجتماعی و احساس همدلی و همدردی با آحاد مسلمانان بلکه همه انسان‌ها^۲ به عنوان یک وظیفه انسانی، اخلاقی و دینی می‌تواند انگیزه برای عمل و تعامل اجتماعی را افزایش دهد.

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی

(سعدی)

بر اساس الگوی مطلوب تکافل اجتماعی از نگاه اسلام (کاظمی و حسینی، ۱۴۰۲) افراد مشمول تکافل: نیازمندانی مانند تهیدستان (فقیر و مسکین)، یتیمان، زنان بی سرپرست، سالمندان، بیماران و معلولان، خویشاوندان، همسایگان، در راه ماندگان، رزمندگان در راه خدا، ورشکستگان، پیداشدگان و حاجت خواهان (سائلان) هستند. اینها با استفاده از سازوکارهای عام انفاق، صدقه (واجب و مستحب)، زکات، خمس، کفارات، قربانی و همچنین سازوکارهای خاص الزامی مانند نذر، قسم، عهد، وصیت (در حد ثلث مال)، وقف؛ و سازوکارهای خاص اختیاری مانند هبه، هدیه، قرض الحسنه و عاریه تحقق می‌یابند.

البته در تعامل اجتماعی و روابط اجتماعی نباید از ابزارهای آلوده و ناپاک برای نیل به هدف استفاده شود و نیز لازم است از هر گونه ستم و ظلم به دیگران در روابط اجتماعی پرهیز شود: امام علی علیه السلام: کسی که با گناه (یا در گناه و ابزارهای ناپاک) به پیش می‌رود، پیروز نیست و کسی که خصم

۱. امام علی علیه السلام: ما حفظت الاخوه بمثل المواساه (غزرا الحکم)، امام صادق علیه السلام: تقرّبوا الی الله تعالی بمواساه اخوانکم (بحار، ج ۷۴، ص. ۳۹۱)، امام موسی بن جعفر علیه السلام: ... یا عاصم کیف انتم فی التواصل و التواسی؟ قلت: علی افضل ما کان علیه احد، قال: آیاتی احدکم الی دکان اخیه او منزله عند الضائقه فیستخرج کیسه و يأخذ ما یحتاج الیه فلا ینکر علیه؟ قال: لا، قال: فلستم علی ما احبّ فی التواصل (همان، ص. ۲۳۱).

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا یُنَادِیَ یَا لِمُسْلِمٍ فَلَمْ یُجِبْهُ فَلَئیسَ بِمُسْلِمٍ» (کافی، ج ۲، ص. ۱۶۲)، «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: مَنْ أَصْبَحَ لَا یُهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِینَ فَلَئیسَ بِمُسْلِمٍ» (همان، ص. ۱۶۳). امام صادق علیه السلام: المؤمنُ أخو المؤمنِ کالجسد الواحد، إن اشتکی شینا منه وجد ألم ذلك فی سائر جسده، وأرواحهما من روح واحد (کافی، ج ۴، ص. ۱۶۶).

خود را با بدی شکست دهد، خودش شکست خورده است.^۱ امام صادق علیه السلام: [در مورد دو نفر که برای شکایت به حضور امام رسیدند فرمود] آیا نمی‌دانی کسی که با ستمگری به پیروزی رسد، در حقیقت به خیر نائل نشده است.^۲

بنابر این منابع توانمندی از نگاه اسلام در چهار محور معنوی، آگاهی، اخلاقی و اجتماعی عمل می‌کنند.

نتیجه‌گیری

روانشناسی جامعه‌نگر با رویکرد اجتماعی به صورت فعال و پویا وارد اجتماعات خرد و گروه‌های اجتماعی می‌شود و با توجه به ارزش‌های اخلاقی مانند عدالت اجتماعی، توانمندسازی آحاد مردم و گروه‌های آسیب‌پذیر را مد نظر قرار می‌دهد. در این جستار روشن شد که روش‌ها و راهکارهای قرآنی در محورهای معنوی، آگاهی و اخلاقی به طور کلی و در بخش اجتماعی، به طور خاص می‌توانند اهداف روانشناسی جامعه‌نگر را در توانمندسازی فراهم کنند. شاید بتوان گفت مسجد به عنوان یکی از مهمترین سازه‌های دینی اسلامی، بهترین پایگاه برای نیل به روش‌های چهارگانه فوق است. زیرا از یک سو زمینه‌های معنویت را با عبادت و دعا و نیایش فراهم می‌کند و از سوی دیگر امام جماعت و واعظان زمینه‌های آگاهی بخشی و زیست اخلاقی را مهیا می‌کنند و روابط اجتماعی با محوریت الهی در مسجد نیز رقم می‌خورد. البته روش‌های چهارگانه محدود به مسجد نیست و در جامعه اسلامی می‌توانند توسعه یابند.

۱. ما ظفر من ظفر الاثم به و الغالب بالشر مغلوب (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۷).

۲. قال لرجلین تخاصما بحضرتہ، اما انه لم یظفر بخیر من ظفر بالظلم (تحف العقول، ص ۲۶۳).

منابع

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۳۸۷ق.) شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن اسحاق، محمد (۱۴۲۴ق.) السیره النبویه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۳۰ق.) مسند، ۶ جلد، بیروت، دارالفکر.
۶. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق.) الطبقات الکبری، ۹ جلد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۷. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۹۲) تحف العقول، ترجمه پرویز اتابکی، قم: دارالحديث.
۸. ابن عبدربه، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق.) العقد الفريد، ۸ جلد، بیروت، دارالکتب العربیه.
۹. ابن عساکر، علی بن حسن (بی تا) تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر.
۱۰. ابن هشام، عبدالملک (بی تا) السیره النبویه، بیروت، دارالقلم.
۱۱. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۲۲ق.) الاغانی، ۲۷ جلد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۲. ابونعیم، احمد بن عبدالله (۱۴۱۹ق.) معرفه الصحابه، ۷ جلد، بیروت، دارالوطن للنشر.
۱۳. اسکندری، محمد حسین و اسماعیل دارابکالایی (۱۳۸۳) پژوهشی در موضوع قدرت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. پارگامنت، کنت آیرا (۱۳۹۹) روان در مانی یکپارچه معنوی: درک و بیان امر قدسی، ترجمه علیرضا ظهیرالدین و همکاران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه شهید بهشتی.
۱۵. تافلر، آلوین (۱۳۹۵) جابجایی در قدرت: دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرت بیست و یکم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، فرهنگ نشر نو.
۱۶. جرجانی، (۱۴۱۹ق.) شرح المواقف، ۸ جلد، دارالکتب العلمیه.

۱۷. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۳۶۶)، کشف المراد فی تجرید الاعتقاد، موسسه مطبوعات دینی.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۵) المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. _____ (۱۳۹۲) نهاییه الحکمه، دارالتبلیغ اسلامی.
۲۰. طیب، عبدالحسین (۱۳۸۶) اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۵ جلد، موسسه سبطين.
۲۱. فیض کاشانی، ملامحسن محمدبن شاه مرتضی (بی تا) محجه البیضاء فی تفسیر الاحیاء، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۹۰) اصول الکافی، ۳ جلد، دارالاضواء.
۲۳. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹) شاهنامه فردوسی، تهران: امیرکبیر.
۲۴. فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۱۱ق.) التفسیر الکبیر، قاهره، چاپ افست تهران.
۲۵. کاظمی نجف آبادی، مصطفی و سیدرضا حسینی (۱۴۰۲) الگوی مطلوب تکافل اجتماعی در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۶. گالبرایت، جان کنت (۱۳۷۱) آناطومی قدرت، ترجمه، محبوبه مهاجر، تهران: سروش.
۲۷. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹ق.) کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: موسسه الرساله
۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۳۱۵ق.) بحار الانوار، ۱۱۰ جلد، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸) معارف قرآن، ۳ جلد، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۷) تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۷۵) مثنوی معنوی، تهران: انتشارات ناهید.
۳۲. نبوی، سیدعباس (۱۳۷۹) فلسفه قدرت، تهران و قم: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۳۳. وبر، ماکس (۱۳۸۴) دین، قدرت و جامعه؛ ترجمه احود تدین، تهران: هرمس.
34. Foster-Fishman, P.G., Salem, D.A., Chibnall, S., Legler, R. & Yapchai, C. (1998). *Empirical support for the critical assumptions of empowerment theory. American Journal of Community, Psychology*, 26, 507–36.

35. Hagan, T. & Smail, D. (1997). *Power-mapping – I. Background and basic methodology*.
36. *Journal of Community and Applied Social Psychology*, 7, 257–68.
37. James, W. (2002) *The varieties of religious experience centery editon*, london and new york, Routledge.
38. Orford, Jim, (2007) *COMMUNITY PSYCHOLOGY Challenges, Controversies and Emerging Consensus*, John Wiley & Sons, Ltd, 2008.
39. Perkins, D.D. & Zimmerman, M.A. (1995). *Empowerment theory, research, and application: an introduction to a special issue. American Journal of Community Psychology*, 23, 569–79 (cited by Peterson *et al.*, 2005).
40. Prilleltensky, I. & etal. (2001) *The role of power and control in children's lives: an ecological analysis of pathways toward wellness, resilience and problems. Journal of Community and Applied Social Psychology*, 11, 143–58.
41. Rappaport, J. (1987) *Terms of empowerment/exemplars of prevention: toward a theory for community psychology. American Journal of Community Psychology*, 15, 121–43 (cited by Zimmerman, 1995).
42. Riger, S. (1993) *What's wrong with empowerment? American Journal of Community Psychology*, 21, 279–92.
43. Smail, D. (1995) *Power and the origins of unhappiness: working with individuals. Journal of Community and Applied Social Psychology*, 5, 347–56.
44. Smail, D. (2001). *Commentary: de-psychologizing community psychology. Journal of Community and Applied Social Psychology*, 11, 159–65.
45. Smail, D. (2003). *Therapeutic psychology and the ideology of privilege*. Paper presented at the UK Community and Critical Psychology conference, Birmingham, England, 11 September.
46. Smail, D. (2005) *Power, Interest and Psychology: Elements of a Social Materialist Understanding of Distress*. Ross-on-Wye: PCCS Books.
47. Zimmerman, M.A. (1995) *Psychological empowerment: issues and illustrations. American Journal of Community Psychology*, 23, 581–99 (cited by Dalton *et al.*, 2001).